



2

Vol. 10
Summer 2025

Research Paper

Received:
31 May 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
11 August 2024
Published:
20 November 2024
P.P: 57-79

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



State Studies of Contemporary Iran

Application of the Good Governance Model in Ethnic-Cultural Management of Metropolises in Iran (Case Study: Ahvaz City)

Afshin karami¹ | Majid Nejatpour^{*2}

Abstract

Multiethnic metropolises, as symbols of the complexities of the contemporary world, are dynamic spaces of interaction, confrontation, and coexistence among diverse cultures, religions, and identities. Managing these metropolises requires a deep understanding of social dynamics and the adoption of flexible, holistic approaches. This situation highlights the need to redefine the indicators of good urban governance to reduce tensions and strengthen peaceful coexistence. Although classical theories of urban governance emphasize concepts such as public participation, transparency, and spatial justice, these frameworks appear to require context-sensitive revisions when applied to multicultural metropolises like Ahvaz. Accordingly, the main question is: Which indicators of good governance can sustainably manage ethnic and cultural tensions in Ahvaz? Focusing on Ahvaz, this article employs a descriptive-analytical method, relying on survey and documentary data, to identify and rank the most influential good governance indicators in managing ethnic and cultural tensions. The results of the Friedman ranking test indicate that, in order, the three indicators of transparency, rule of law, and consensus hold the highest ranks among the good governance indicators affecting ethnic and cultural management in the metropolis of Ahvaz. Based on the findings, given the nature of ethnic issues in Ahvaz, it appears that emphasizing the multicultural city framework and its factors could facilitate the effective management of ethnic and cultural tensions while advancing toward good governance indicators in this metropolis.

Keywords: Ahvaz, Ethnicity, Culture, Governance, Management.

1. Assistant Professor, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

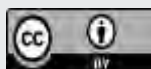
A.karami@scu.ac.ir

2. Assistant Professor of Political Science, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Cite this Paper: karami, A & Nejatpour, M (2025). Application of the Good Governance Model in Ethnic-Cultural Management of Metropolises in Iran (Case Study: Ahvaz City). *State Studies of Contemporary Iran*, 2(10), 57–79.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



کاربست الگوی حکمرانی خوب در مدیریت قومی - فرهنگی کلانشهرها در ایران (مورد مطالعه شهر اهواز)

افشین کرمی^۱ | مجید نجاتپور^{۲*}

چکیده

کلانشهرهای چندقومی به عنوان نماد پیچیدگی های جهان معاصر، فضایی پویا از تعامل، تقابل و همزیستی فرهنگها، ادیان و هویت های مختلف هستند. مدیریت این کلانشهرها نیازمند درکی عمیق از پویایی های اجتماعی و اتخاذ رویکردهایی منعطف و همه جانبه نگر است. این وضعیت، ضرورت بازتعریف شاخص های حکمرانی خوب شهری را برای کاهش تنش ها و تقویت همزیستی مسالمت آمیز پررنگ می سازد. اگرچه نظریه های کلاسیک حکمرانی شهری بر مفاهیمی مانند مشارکت مردمی، شفافیت، و عدالت فضایی تأکید دارند، اما به نظر می رسد این چارچوب ها در مواجهه با کلانشهرهای چندفرهنگی مانند اهواز نیازمند بازنگری زمینه محور هستند. بر همین اساس پرسش اصلی این است که کدام شاخص های حکمرانی خوب می توانند تنش های قومی و فرهنگی در اهواز را به شیوه ای پایدار مدیریت کنند؟ این مقاله با تمرکز بر اهواز، در پی آن است که با روشی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر داده های پیمایشی و اسنادی، شاخص های حکمرانی خوب که بیشترین تأثیرگذاری در مدیریت تنش های قومی و فرهنگی دارند را شناسایی و رتبه بندی کند. نتایج آزمون رتبه بندی فریدمن نشان می دهد که به ترتیب سه شاخص شفافیت، قانونمداری و اجماع بالاترین رتبه را در میان شاخص های حکمرانی خوب تأثیرگذار بر مدیریت قومی و فرهنگی کلانشهر اهواز کسب کرده اند. بر اساس نتایج این پژوهش با توجه به ماهیت مسائل قومی در کلانشهر اهواز به نظر می رسد تکیه بر شهر چندفرهنگی و فاکتورهای آن بتواند زمینه ساز مدیریت مطلوب تنش های قومی و فرهنگی و نزدیک شدن به شاخص های حکمرانی خوب در این کلانشهر باشد.

کلیدواژه ها: اهواز، قومیت، فرهنگ، حکمرانی، مدیریت.

۱. نویسنده مسئول: استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

a.karami@scu.ac.ir

۲. استادیار علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

استناد: کرمی، افشین و نجات پور، مجید (۱۴۰۴). کاربرد الگوی حکمرانی خوب در مدیریت قومی - فرهنگی کلانشهرها در

ایران (مورد مطالعه شهر اهواز)، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۲(۱۰)، ۷۹-۵۷.

DOR: <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27831914.1403.10.4.1.4>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسنده گان

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

رشد شهری در قرن بیستم سهم جمعیت شهرنشین را به شدت افزایش داد و شهرنشینی را به شیوه غالب زندگی تبدیل کرد. گرچه شهر و شهرنشینی خود یکی از مهم ترین شاخص های رفاه و توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می شود، رشد شتابان آن می تواند سرانه برخورداری از بسیاری امکانات اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد (توکلی و مؤمنی، ۱۳۹۵: ۲). توجه به آینده یکی از ارکان عقلی در هر پدیده ای است (شیرودی و مکرمی پور، ۱۴۰۲: ۴۵). به عبارت دیگر با رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی، چند دهه گذشته شاهد تغییرات عظیم در محیط های ساخته شده و فرهنگی اجتماعی مناطق شهری بوده ایم. در واقع توسعه سریع در بسیاری از شهرها منجر به بسیاری از مسائل شهری مانند جرم، آلودگی هوا، ازدحام ترافیک و امکانات عمومی ناکافی به ویژه در مناطق جدید و همچنین اختلافات اجتماعی - مکانی در کلانشهرها شده است (Ouyang et al, 2017). طبق تحقیقات انجام شده تعداد ساکنان شهری کشورهای در حال توسعه در طی سال های ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۵ حدود ۴ برابر افزایش یافته و به رقم حیرت آور ۴ میلیارد نفر رسیده است. آمار نشان می دهد در سال ۲۰۰۰ در برابر هر دو نفر ساکن شهری در کشورهای در حال توسعه یک نفر شهرنشین در کشورهای توسعه یافته وجود دارد (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۴). جامعه نوین شهری با ویژگی هایی چون ناهمگونی جمعیتی، تحرک اجتماعی بالا، قشربندی گسترده و سازماندهی اجتماعی و سیاسی جدید زمینه شکل گیری روابط جدید میان آنان و حکومت های محلی شده است (حاجی نژاد، ۱۳۹۵: ۶۴). همان طور که اشاره شد امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می کنند و هر هفته، جمعیت شهری به طور غیرقابل تحمل و در سطح جهانی ۱/۳ میلیون نفر افزایش می یابد. از آنجا که جهان به طور فزاینده ای شهرنشین شده است، چالش های مهمی وجود دارد که باید برای دستیابی به آنها در آینده مسائل بی شمار و قابل توجهی مرتفع شود. چالش های موجود در کلانشهرهای چندقومی یکی از مشکلاتی است که بازیگران در اداره و مدیریت شهر باید برای آن راه حل پیدا کنند. رشد جمعیت شهر و امکانات کافی باید با خواسته های مدرنیته و اداره عمومی سازگار شود. علاوه بر این، سایر بازیگران شهری باید چارچوبی مناسب برای تأمین خواسته های دائمی مردم و بهبود

کیفیت زندگی آنها ایجاد کنند. حکمرانی خوب شهری نوعی حکمرانی است که به طور مؤثر به کیفیت زندگی مردم کمک کند در حالی که با اقدامات ناگوار و فاجعه‌باری که برای تضعیف عملکرد صحیح نهادها طراحی شده‌اند، مبارزه می‌کند (Kevin&Feng, 2016).

در این میان، کلانشهرهای چندقومی به عنوان نماد پیچیدگی‌های جهان معاصر، فضایی پویا از تعامل، تقابل و هم‌زیستی فرهنگ‌ها، ادیان و هویت‌های مختلف هستند. این شهرها که گاه از آنها به عنوان «موزاییک فرهنگی» یاد می‌شود، هم‌زمان هم ظرفیت بالایی برای خلاقیت، نوآوری و توسعه دارند و هم می‌توانند به کانون تنش‌های قومی و فرهنگی تبدیل شوند. مدیریت این کلانشهرها نیازمند درکی عمیق از پویایی‌های اجتماعی و اتخاذ رویکردهایی منعطف و همه‌جانبه‌نگر است. کلانشهرهای چندقومی، به دلیل تنوع فرهنگی، زبانی، و مذهبی، همواره با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه انسجام اجتماعی و مدیریت شهری مواجه بوده‌اند. اهواز به عنوان یکی از مهم‌ترین کلانشهرهای چندقومی ایران، با ترکیبی از اقوام عرب، بختیاری، فارس، و لر، نمونه‌ای بارز از این پیچیدگی‌هاست. در سال‌های اخیر، تنش‌های قومی و فرهنگی در این شهر، گاه به شکل اعتراضات خیابانی، چالش‌های هویتی، یا نابرابری‌های فضایی خود را نشان داده‌اند. این وضعیت، ضرورت بازتعریف الگوهای حکمرانی خوب شهری را برای کاهش تنش‌ها و تقویت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پررنگ می‌سازد. اگرچه نظریه‌های کلاسیک حکمرانی شهری بر مفاهیمی مانند مشارکت مردمی، شفافیت، و عدالت فضایی تأکید دارند، اما به نظر می‌رسد این چارچوب‌ها در مواجهه با کلانشهرهای چندفرهنگی مانند اهواز نیازمند بازنگری زمینه‌محور هستند. بر همین اساس پرسش اصلی این است که کدام شاخص‌های حکمرانی خوب می‌توانند تنش‌های قومی و فرهنگی در اهواز را به شیوه‌ای پایدار مدیریت کنند؟ این مقاله با تمرکز بر اهواز، در پی آن است که با روشی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های میدانی و اسنادی، شاخص‌های حکمرانی خوب که بیشترین تأثیرگذاری در مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی دارند را شناسایی و رتبه‌بندی کند.

۲. مبانی نظری پژوهش

موضوع حکمروایی خوب شهری از نزدیک با مفاهیمی مانند ارائه خدمات، رضایت شهروندان، دسترسی به خدمات با کیفیت اساسی، مدیریت و تحویل خدمات زیرساختی به شهروندان مرتبط

است. حکمروایی شهری با موضوعات پیچیده خواستار مداخلات در سطوح مختلف برای مسائلی مانند شهرنشینی و رشد، مدیریت اقتصاد محلی، افزایش زیرساخت‌ها و ارائه فشار بر شهرها و غیره است (Lewis & Ogra, 2010). حکمروایی شهری را می‌توان به صورت بازیگران مختلف توصیف کرد، از افراد گرفته تا مؤسسات می‌توانند امور مشترک شهر را برنامه‌ریزی و مدیریت کنند. حکمرانی خوب شهری به «حکمرانی یکپارچه» اشاره دارد، بنابراین شامل همه گروه‌های موجود در جامعه شهری است. بر همین اساس، اقدامات دولت باید شفاف باشد، دولت باید پاسخگو باشد و با صداقت عمل کند. از طریق حکمروایی خوب شهری، شهروندان بستری فراهم می‌کنند که به آنها امکان می‌دهد استعدادهای خود را به طور کامل برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی خود استفاده کنند. کمپین جهانی حکمروایی شهری پنج اصل حکمروایی خوب شهری را در بر گرفته است که عبارتند از: ۱. عدالت (شامل پایداری، برابری جنسیتی و عدالت بین‌نسلی)؛ ۲. اثربخشی (شامل کارایی، انحصار و دید استراتژیک)؛ ۳. پاسخگویی (شامل شفافیت، حاکمیت قانون و پاسخگویی)؛ ۴. مشارکت (شامل شهروندی، توافق مشترک و مشارکت مدنی)؛ و ۵. امنیت (شامل حل تعارض، امنیت انسانی و ایمنی محیط زیست) (Lewis & Ogra, 2010). معنای دیگر حکمروایی شهری که در درجه اول در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در انگلستان پدیدار شد، الگوی مطلوب تعامل و همکاری عمومی و خصوصی در سطح محلی بود. بنابراین الگوی حکمروایی خوب شهری به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کنند. در این الگو مسئولیت اجرایی مستقیم و مدیریت شهری کمتر شده و امکان بیشتری برای برنامه‌ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط نهادهای خصوصی و مردمی فراهم می‌شود؛ در اینجا مدیریت شهری از بالا به پایین نیست و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر جزء جدایی‌ناپذیر آن است. وضعیت مدیریت شهری در ایران به دلایلی چون تمرکزگرایی، برون‌زا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتی و مبتنی بر نفت و غیره، در سیطره دولت است و مدام از مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و دیدگاه‌ها و نگرش‌های از بالا به پایین تمام آن را فرا گرفته است (زندیه، ۱۳۹۵: ۶۱-۶۰). در مجموع می‌توان مهمترین هدف مدیریت شهری را ارتقاء شرایط کار و زندگی جمعیت، در غالب

اقتشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان و تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار دانست (موحد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۸). از سوی دیگر، مسأله جمعیت نیز نقش مهمی در تولید قدرت ملی و انسجام داخلی ایفا می‌کند (خانجانی و کارگر، ۱۴۰۱: ۳۶). قوم نیز عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص، با یک افسانه اجدادی مشترک، خاطرات و عناصر فرهنگی مشترک با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت (اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶). به عبارت دیگر قوم به اجتماعی از افراد اطلاق می‌شود که برای خود سرگذشت تاریخی، سرزمین، آداب و رسوم، زبان و نهادهای فرهنگی مشترکی قائل هستند و در برابر آنها احساس تعهد و وفاداری مشترکی دارند (زارعی، ۱۳۹۸: ۴۹). قومیت در علوم اجتماعی واژه نسبتاً جدیدی است و مفهوم آن نیز همواره با گسترش حیطه مطالعات تغییر یافته است. به نظر آنتونی گیدنز، قومیت مفهومی است که معنای مطلقاً اجتماعی دارد و به رفتارها و چشم‌اندازهای فرهنگی اشاره دارد که سبب تمایز یک اجتماع از دیگران می‌شود. اعضای گروه قومی، خودشان را به لحاظ فرهنگی متمایز از دیگر گروه‌ها در جامعه می‌بینند و خود آنها نیز توسط دیگران متمایز در نظر گرفته می‌شوند. مهمترین خصوصیات قومی که آنها را از دیگران جدا می‌کند زبان، تاریخ، تبار، مذهب، سبک لباس پوشیدن و نوع زینت کردن است. همه این تفاوت‌ها، فرهنگی و آموختنی هستند (احمدی، ۱۳۷۸: ۲۹). اگرچه قومیت و هویت قومی ابتدا در مطالعات انسان‌شناسی به کار رفته اما بعدها در گستره مطالعات جامعه‌شناسی و جغرافیایی نیز قرار گرفت و مطالعات عمیقی در آن صورت گرفت در معنای جدید قومیت باید گفت که در دهه ۶۰ قرن بیستم، قوم و قوم‌گرایی در مقابل مفهوم ملیت قرار می‌گرفتند که تبلوری از دولت ملی بود. به هر صورت، قومیت از سال‌های میانی قرن بیستم به یکی از مفاهیم اصلی در علوم اجتماعی تبدیل شد و تا به امروز به صورت موضوعی اساسی در مطالعات و پژوهش‌های کاربردی باقی مانده است (نقدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۳). اکثر جوامع در امتداد یک یا چند مسیر، از هم شکافته و جدا می‌شوند. اغلب این انشعابات یا شکاف‌ها طی زمان به خطوط گسل و گسست جامعه تبدیل می‌شوند به گونه‌ای که در طول آنها دیدگاه‌های سیاسی نیز شکل می‌گیرند (نوروزی و نظیفی، ۱۴۰۱: ۲۲). تنوع قومی یک پدیده جهان‌شمول است که بسیاری از کشورهای جهان با این پدیده مواجه هستند و هر یک از کشورها با توجه به ساختار نظامی سیاسی خود اقدام به سیاست‌گذاری برای مدیریت

این تنوع قومی نموده‌اند. در این راستا جمهوری اسلامی ایران نیز جهت مدیریت تنوع قومی سیاست‌های را در نظر گرفته که به همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی و امنیتی توجه ویژه‌ای داشته است (جهانی‌راد و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۳). اما برای تحقق امنیت پایدار و مدیریت تنش به‌ویژه در کلانشهرهای چندقومی لزوم توجه ویژه به اجتماع ملی و اصول حکمرانی خوب در کلانشهرهای چندقومی احساس می‌شود. اهمیت اجتماع ملی از این جهت است که بدون داشتن یک اجتماع عام، اجرای هیچ‌گونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در راستای توسعه اجتماعی میسر نخواهد بود. زیر هر جریان فکری - سیاسی که مسلط بر عرصه قدرت باشد برای سازمان‌دهی کنش‌های فردی شهروندان به‌سوی یک هدف جمعی، لاجرم نیازمند عزمی جمعی است که در جهان معاصر عمدتاً از طریق اجتماع عام و هویت ملی و حکمرانی خوب می‌توان به آن دست یافت. از این منظر برای تحقق امنیت پایدار، حداقل دو چیز لازم است: اتحاد سیاسی و تفاهم فرهنگی میان افرادی که خاستگاه‌های قومی گوناگونی دارند (حاجی‌زاده، ۱۳۹۹: ۷). در کلانشهرهای چندقومی ایران کنونی، در هر دو بعد مسائل و مشکلاتی به چشم می‌خورد.



شکل ۱: مدل تحقیق

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود رابطه حکمرانی خوب با مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی در شهر اهواز را می‌توان از چند منظر تحلیل کرد. اهواز به دلیل تنوع قومی بالا و حضور گروه‌هایی مانند عرب‌ها، بختیاری‌ها، فارس‌ها و لرها، همواره با چالش‌های فرهنگی و اجتماعی روبرو بوده است. شاخص‌های حکمرانی خوب مانند مشارکت مردمی، عدالت در توزیع منابع، پاسخگویی مسئولان، شفافیت تصمیم‌گیری‌ها و حاکمیت قانون می‌توانند نقش کلیدی در کاهش این تنش‌ها داشته باشند. در اهواز، احساس تبعیض در برخی گروه‌های قومی، توزیع ناعادلانه امکانات شهری و عدم مشارکت برابر در فرایندهای تصمیم‌گیری از عوامل بالقوه تنش هستند. حکمرانی خوب با ایجاد سازوکارهای مشارکتی مانند شوراهای محلی و مشورت با رهبران قومی می‌تواند اعتماد را افزایش دهد. توزیع عادلانه پروژه‌های عمرانی و بودجه شهری بین مناطق مختلف شهر، می‌تواند احساس محرومیت را کاهش دهد. شفافیت در عملکرد مدیریت شهری و پاسخگویی مسئولان به سؤالات مردم نیز به کاهش شایعات و سوء تفاهم‌های قومی کمک می‌کند. اجرای یکسان قانون برای همه گروه‌ها و جلوگیری از هرگونه تبعیض در برخورد‌های قضایی و انتظامی نیز از اصول مهم حکمرانی خوب است.

۳. پیشینه پژوهش

در حوزه اقلیمی‌سازی از جمله مهمترین پژوهش‌هایی که در ایران بیشترین نزدیکی را با موضوع مورد مطالعه این پژوهش دارند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کاظمیان و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان (مدل متناسب حکمروایی خوب شهری برای کلانشهرهای کشور (مطالعه موردی مشهد)، الگوهای مختلف حکمروایی شهری در سطح بین-المللی را مورد بررسی قرار داده و ابعاد و مؤلفه‌های آنها را احصا کرده و به صورت تجمیع یافته ارائه کرده‌اند.

حسنی‌هنزایی و الهیاری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس حکمروایی خوب شهری: مطالعه موردی شهرهای تهران و مشهد»، به این نتیجه رسیده‌اند که اعمال اصول حکمروایی خوب در برنامه‌ریزی استراتژیک شهر مشهد از برنامه‌ریزی ارائه شده

برای شهر تهران بیشتر بوده است. به اعتقاد آنها این نتیجه می‌تواند معیاری برای پیش‌بینی میزان اثربخشی بالقوه برنامه‌ریزی راهبردی شهرهای مورد مطالعه، به لحاظ دستیابی به حکمروایی خوب شهری برای متولیان امر قرار گیرد.

خمجانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی حکمروایی خوب شهری: مطالعه موردی مناطق ۲ و ۱۰ شهر تهران»، به این نتیجه رسیده‌اند که میانگین مطلوبیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در منطقه ۱۰ شهر تهران کمتر از حد متوسط بوده و بنابراین این منطقه از وضعیت نامناسب و نامطلوبی از حکمروایی برخوردار است.

باستین و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «سنجش و ارزیابی اثرات حکمروایی خوب شهری بر زیست‌پذیری شهرها»، به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری و زیست‌پذیری در شهر بوشهر نامطلوب است.

اکبرزاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد مدیریت شهری گرگان با رویکرد حکمروایی خوب شهری»، پنج شاخص شفافیت، مشارکت، قانونمندی، پاسخگویی و کارایی و اثربخشی را در این شهر مورد مطالعه قرار داده‌اند.

ملکی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در تحقق شهر تاب‌آور مطالعه موردی اهواز»، به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌های مشارکت، عدالت-محوری، توافق و اجماع‌محوری، کارایی و اثربخشی، قانونمندی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی که انعکاس‌دهنده حکمروایی خوب شهری می‌باشند بر ابعاد تاب‌آوری شهری تأثیر بالایی دارند.

عامری (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری بر زیست‌پذیری شهر اهواز»، به این نتیجه رسیده است که مدل مارکوس در برابر تغییرات احتمالی در اهمیت معیارهای تصمیم‌گیری حساس بوده و پایداری روش در انتخاب مهمترین عوامل مؤثر حکمروایی خوب شهری بر زیست‌پذیری شهر در شهر اهواز را نشان می‌دهد.

اربابی سبزواری و قاسم‌پور (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر جایگاه حکمروایی خوب شهری و نقش آن در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری اهواز»، به این نتیجه رسیده‌اند که بعد رعایت انصاف و عدالت رتبه اول و توانمندی و ظرفیت اجتماعی شهروندان رتبه دوم و ابعاد

قانون‌گرایی و حاکمیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، اجماع‌گرایی، تمرکزگرایی و تسهیل مشارکت و شفافیت و کارایی و اثربخشی رتبه‌های سوم تا نهم را کسب کرده‌اند.

قادرزاده (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان مشکله همبستگی در جامعه چندقومی ایران: فراترکیب مطالعات موجود، به این نتیجه رسیده است که اصلی‌ترین زمینه‌ای که بایستی در مسأله همبستگی در ایران پی‌ریزی شود، پذیرش واقعیتهای به نام پایایی و مانایی تنوع فرهنگی است.

یوسفی و اصغرپور (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین‌قومی در ایران، بر اساس تحلیل ثانویه داده‌های هشت قوم ایرانی ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوچ، ترکمن و طالش به این نتیجه رسیده است که اولاً قوم‌مداری در نزد همه اقوام ایرانی بالاست و در عین حال کمترین قوم‌مداری از آن عرب‌ها و بیشترین قوم‌مداری از آن قوم بلوچ است.

موسوی‌سرشت و بابایی‌فرد (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بازآفرینی هویت فرهنگی قومی در میان مردم عرب خوزستان»، به این نتیجه رسیده‌اند که ضعف کارکردی نهادهای مدنی، کاهش سیطره فرهنگی حکومت مرکزی، تورسم فرهنگی، احساس محرومیت نسبی و بی‌توجهی نظام سیاسی به هویت فرهنگی قومی از مهمترین متغیرهای بازآفرینی هویت قومی در میان مردم عرب استان خوزستان است.

باقری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «الگوسازی ساختاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تأثیرگذار بر همگرایی بین‌قومی در شهر اهواز» به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، سرمایه فرهنگی، گرایش به قانون‌گرایی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و کاهش میزان قوم‌گرایی در میان پاسخگویان می‌توان میزان همگرایی بین‌قومی را در میان پاسخگویان افزایش داد.

شهبازی (۱۳۹۸) نیز در پژوهش دیگری با عنوان «قومیت، جنسیت و عملکرد فضاهای شهری در شهرهای چندقومی» که ارتباط نزدیکی با موضوع پژوهش حاضر دارد به این نتیجه رسیده است که عملکرد فضاهای شهری زاهدان به‌صورت معناداری پایین است و جنسیت شهروندان نیز بر استفاده آنها از فضاهای شهری دارای اثر بازدارنده و معنی‌دار می‌باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در مورد حکمروایی خوب شهری و قومیت و قوم‌گرایی تاکنون مطالعات مختلف و بسیار زیادی در ایران صورت گرفته است. محوریت اکثر این مطالعات همان-

گونه که انتظار می‌رود تکیه بر کلیدواژه حکمروایی و قومیت است. اما هنگام تمرکز بر روی کلانشهرهای چندقومی و رابطه آن با نحوه حکمرانی خوب مشخص می‌شود که مطالعات چندانی در این زمینه با این هدف مخصوص صورت نگرفته است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعات کمی - کیفی و مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی است. به منظور شناسایی مهمترین شاخص‌های تأثیرگذار حکمرانی خوب و نقش آن در مدیریت تنش کلانشهرهای چندقومی از هشت شاخص حکمروایی خوب استفاده شده است و این شاخص‌ها جهت اولویت‌بندی در اختیار پرسش‌شوندگان قرار گرفت. برای بررسی اولویت‌بندی این شاخص‌ها پرسشنامه‌ای طراحی و در اختیار ۲۵ نفر از نخبگان حوزه علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و جامعه‌شناسی قرار گرفت تا بر اساس نظرات خود مهمترین شاخص‌های اثرگذار حکمروایی خوب شهری بر مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی در کلانشهر چندقومی اهواز را شناسایی کنند. سپس برای اولویت‌بندی این شاخص‌ها آزمون رتبه‌بندی فریدمن مورد استفاده قرار گرفت تا بتوانیم شاخص‌های استخراج‌شده از نظرات خبرگان در مورد شاخص‌های حکمروایی خوب و اثر آن بر مدیریت تنش قومی و فرهنگی کلانشهر اهواز را مورد ارزیابی قرار دهیم. پس از آن در بخش دوم یافته‌ها تلاش شد تا با مرور مدل‌های مختلف مدیریت کلانشهرهای چندقومی، مدل مطلوب برای کلانشهر اهواز شناسایی شود.

۴-۱. منطقه مورد مطالعه

استان خوزستان با داشتن تاریخی کهن از دیرباز سکونت‌گاه اقوام و طوایف زیادی بوده است و به همین دلیل تاریخ‌شناسان و تاریخ‌پژوهان این مسأله را دلیلی بر تنوع قومی این استان می‌دانند. البته بسیاری دیگر نیز صنعتی‌شدن استان خوزستان و وجود صنایع نفت، پتروشیمی و فولاد را یکی از عوامل ورود اقوام مختلف به این استان برشمرده‌اند. به هر روی عوامل زیادی دست به دست هم داده‌اند تا خوزستان از نظر خرده‌فرهنگ‌ها یکی از استان‌ها با بیشترین فرهنگ‌های قومی شناخته شود. در این میان دو قوم بختیاری و عرب بیشترین جمعیت را در این استان به خود اختصاص داده‌اند. بختیاری‌ها در شهرهای اهواز، آبادان، ایذه، مسجدسلیمان، هفتکل، باغملک، اندیکا، لالی،

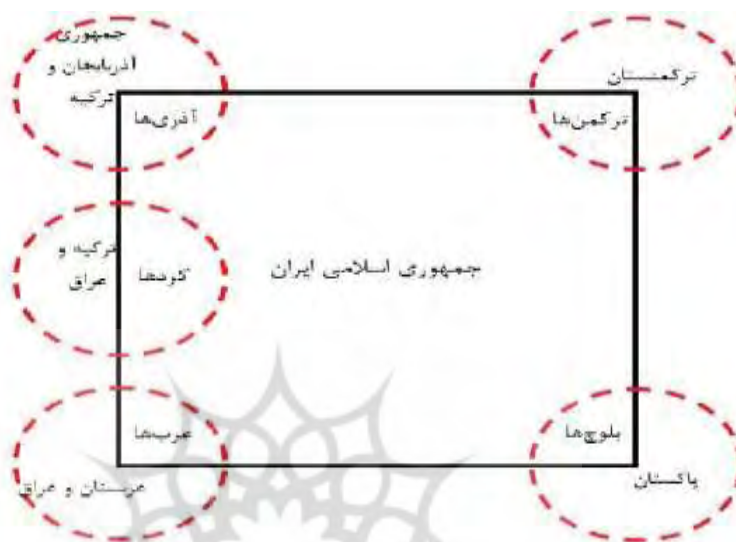
سالند، صفی آباد، قلعه خواجه، دهدز و ... به صورت اصلی و در سایر شهرهای خوزستان نیز جمعیت قابل توجهی از آنها پراکنده شده است. در مورد طوایف عرب خوزستان نیز وضع چنین است با این تفاوت که تا پیش از جنگ ایران و عراق عمده تمرکز جمعیتی عرب‌های خوزستان در شهرهای شادگان، سوسنگرد، هویزه، خرمشهر، آبادان و روستاهای جنوب غربی خوزستان بود اما پس از شروع جنگ، جنگ‌زدگان عرب بیشتر در شهرک‌های اطراف شهرهای امیدیه، ماهشهر و اهواز سکنی یافتند (زندى، ۱۴۰۰: ۲۱۸). شهر اهواز مرکز استان خوزستان نیز به دلیل مهاجرت گسترده به آن ناشی از موقعیت استراتژیک، تجاری و صنایع نفتی به قصد اشتغال، به موزاییک‌های واقعی از اقوامی تشکیل ده که به زبان‌ها و گویش‌های مختلف صحبت کرده و فرهنگ و آداب و رسوم مختلف زندگی می‌کنند.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. رتبه‌بندی شاخص‌های اثرگذار حکمرانی خوب در مدیریت تنش قومی و فرهنگی کلانشهرهای چندقومی

ایران یک جامعه چندقومیتی است که مسأله تنوع قومی در آن از زمان پهلوی اول تا زمان حاضر همواره حائز اهمیت بوده است زیرا در همه جوامع پس از تشکیل دولت مرکزی مدرن و در راستای تحقق امنیت پایدار، سؤالات متعددی در زمینه رابطه فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌های قومی، حقوق زبانی و مذهبی اقوام، تضاد منافع میان سران دولت و رهبران قومی، نحوه بهره‌برداری از منابع طبیعی که در نقاط مختلف کشور پراکنده است، الگوی توزیع قدرت بین پایتخت و پیرامون و بسیاری موضوعات دیگر در سطح نخبگان و افکار عمومی شکل می‌گیرد که نوع مواجهه با آنها سرنوشت یک جامعه را روی طیف «گرفتار ماندن در نزاع‌های بی‌پایان» تا «حرکت در مسیر توسعه» رقم می‌زند. از سوی دیگر ایران در منطقه‌ای واقع شده که بین گروه‌های قومی مرز و کشورهای همسایه آن قرابت قومی و فرهنگی وجود دارد. اگرچه اغلب کشورهای مذکور در مقایسه با ایران قدرت‌های بزرگی محسوب نمی‌شوند اما در هر صورت این وضعیت موجب می‌شود که تبلیغات خارجی به نفع گرایش‌های قومی همیشه با شدت و ضعف در برخی استان‌ها

وجود داشته باشد. در شکل زیر قرابت‌های قومی و فرهنگی بین پنج گروه قومی در ایران از سویی و چندین کشور همسایه از سوی دیگر نشان داده شده است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۹: ۵).



شکل ۲. پراکندگی قومیت‌ها در ایران؛ منبع: حاجی‌زاده، ۱۳۹۹

مطالعات مختلف بر اساس معیارهای گوناگون شاخص‌هایی را برای حکمرانی خوب تعریف کرده‌اند و در یکی از مهمترین منابع، کافمن این شاخص‌ها را به ترتیب زیر دسته‌بندی کرده است:

۱. پاسخگویی

این شاخص حوزه‌هایی را می‌سنجد که در آن شهروندان یک کشور قادرند تا در انتخاب حکومت‌شان مشارکت کنند، دارای آزادی بیان، آزادی تشکله‌ها و اجتماعات و آزادی رسانه‌ها هستند (Kaufmann, 2007: 184). در واقع این شاخص بیانگر مفاهیمی چون توجه حاکمان به حقوق بشر، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، برگزاری انتخابات آزاد، شفافیت حکومت و اعتماد به فرایند قانونگذاری است (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

۲. کارایی و اثربخشی

این شاخص برای سنجش کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال آنها از فشارهای سیاسی، کیفیت تدوین و اجرای سیاست‌ها و باورپذیری مجموعه حکومت به چنین سیاست‌هایی به کار می‌رود. به عبارت دیگر منظور از این شاخص آن است که دولت در امور مختلف و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های ملی و حل مشکلات اقتصادی داخلی توانا باشد (Dutta, 2008: 195). اثربخشی به توانایی دولت در مواجهه با مشکلات کلان ملی، دولت الکترونیک، کیفیت بوروکراسی و سیستم اداری و نقص‌های سیستم دولتی توجه دارد (هراتی و آزر می، ۱۳۹۶: ۲۲۳).

۳. قانون‌مداری

این شاخص حوزه‌هایی را می‌سنجد که در آن عاملان به قوانین جامعه اعتماد دارند و از آنها اطاعت می‌کنند. همچنین این شاخص بیانگر کیفیت قراردادها، کار پلیس، دادگاه‌ها و نیز احتمال خشونت و جنایت است (Kaufmann, 2007: 184).

۴. شفافیت

شفافیت نقطه مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است. پنهان‌کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است.

۵. مشارکت

منظور از مشارکت، قدرت تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری‌ها و سهم‌شدن شهروندان در قدرت است.

۶. عدالت محوری

منظور از عدالت محوری، ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است.

۷. مسئولیت پذیری

مسئولان کلانشهرهای چندقومی باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم نسبت به آن واکنش و پاسخ مناسب نشان دهند. بنابراین مسئولیت‌پذیری و احترام به خواسته‌های شهروندان و اقدام در جهت حل مسائل آنها از موارد ضروری در حکمروایی خوب و تحقق امنیت پایدار در کلانشهرهای چندقومی محسوب می‌شود.

۸. اجماع

کلانشهرهای چندقومی عرصه گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از اجماع‌سازی، تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی و شهروندان و سازمان‌های غیردولتی است. در این مرحله هشت شاخص موردنظر حکمروایی خوب شهری از طریق آزمون رتبه‌بندی فریدمن مورد ارزیابی قرار گرفت تا مشاهده شود که بر اساس نظرات نخبگان، به ترتیب کدام یک از شاخص‌ها از بیشترین اثرگذاری در زمینه مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی در کلانشهر اهواز برخوردار است. جدول شماره ۱ نتایج تحلیلی آزمون رتبه‌بندی فریدمن در مورد شناسایی شاخص‌های اثرگذار بر مدیریت تنش و تحقق امنیت پایدار کلانشهر اهواز را نشان می‌دهد. جدول شماره ۲ نیز نتایج میانگین رتبه آزمون فریدمن را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن

تعداد	۲۵
K^2	۴۵/۵۸۴
درجه آزادی	۷
Sig	۰/۰۰۰

جدول ۲. نتایج میانگین رتبه آزمون فریدمن

شاخص	میانگین رتبه ای	اولویت
------	-----------------	--------

۵	۴/۱۳	مشارکت
۱	۵/۶۸	شفافیت
۷	۲/۶۳	پاسخگویی
۶	۳/۰۳	مسئولیت پذیری
۳	۵/۴۹	اجماع
۴	۴/۴۳	عدالت محوری
۸	۱/۵۰	کارآیی و اثربخشی
۲	۵/۳۴	قانون مداری

همان‌طور که ملاحظه می‌شود شاخص شفافیت با میانگین رتبه‌ای ۵/۶۸ بالاترین رتبه را در میان شاخص‌های مختلف حکمرانی خوب در کلانشهر اهواز به‌دست آورده است. به عبارت دیگر بر اساس نتایج این پژوهش برای مدیریت تنش قومی و فرهنگی در این کلانشهر چندقومی، مهمترین متغیر شفافیت است. در جامعه‌ای که گروه‌های قومی مختلفی ذینفع هستند و برای رسیدن به جایگاه سیاسی، اقتصادی و اداری و اجتماعی تلاش و مبارزه می‌کنند فقدان شفافیت در ساز و کارهای اداری و سیاسی و اقتصادی می‌تواند بدترین آسیب را به حکمروایی شهری وارد بسازد. لذا به نظر می‌رسد نخستین گام در این زمینه ایجاد و تقویت شفافیت است. شاخص بعدی که دومین میانگین رتبه‌ای را با ۵/۴۹ کسب کرده معیار اجماع است. این معیار توانایی توافق‌سازی و اجماع‌سازی را بیان می‌کند. کلانشهرهای چندقومی بهترین بستر برای پرورش روحیه اجماع‌سازی و توافق‌سازی و فقدان آن در این گونه جوامع می‌تواند ضمن ایجاد نارضایتی در اقشار مختلف زمینه‌های خدشه‌دار کردن نظام حکمرانی را فراهم سازد. سومین شاخص تأثیرگذار قانون‌مداری است که با ۵/۳۴ لزوم توجه به قانون‌مداری را در جوامع چندقومی یادآور می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از آزمون رتبه‌بندی فریدمن در زمینه رتبه‌بندی شاخص‌های اثرگذار حکمروایی خوب بر مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی در شهر اهواز، می‌توان بیان کرد در کلانشهر اهواز این سه شاخص حکمروایی خوب در صدر اولویت‌های زمامداران و برنامه‌ریزان می‌بایست قرار بگیرد و

تقویت این شاخص‌ها در عرصه حکمرانی می‌تواند زمینه‌ساز مدیریت تنش‌های قومی و مذهبی در این کلانشهر باشد. عدم توجه و غفلت از هر کدام از این شاخص‌ها ضمن ایجاد فضای بی‌اعتمادی و ناامیدی می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای این کلانشهر به همراه داشته باشد.

۲-۵. مدل‌های مدیریت یکپارچه کلانشهرهای چندقومی به منظور مدیریت تنش-

های قومی و فرهنگی

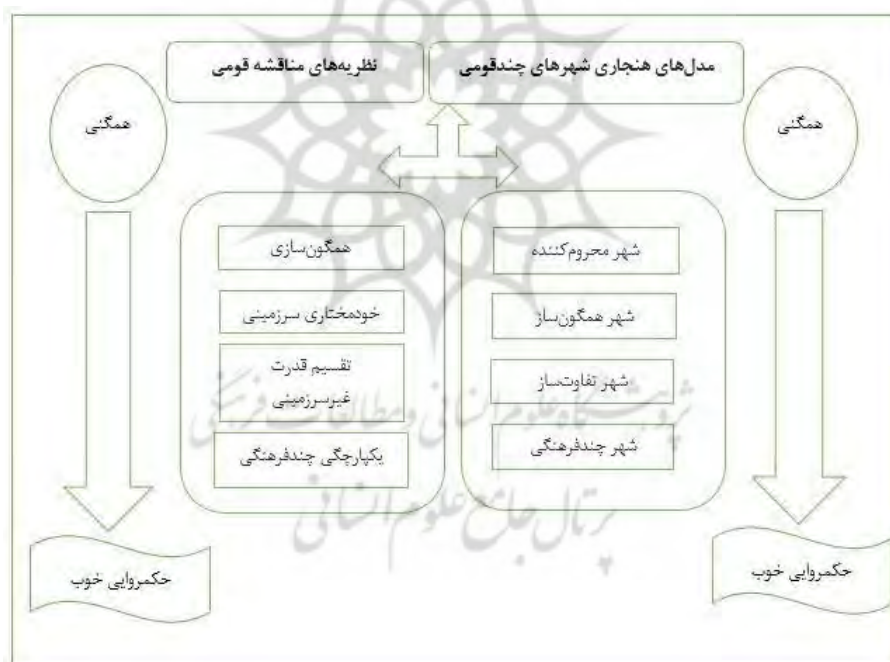
در بخش دوم یافته‌های تحقیق با توجه به نتایج بخش اول و رتبه‌بندی شاخص‌های اثرگذار حکمروایی خوب در مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی به بررسی مدل‌های مدیریت یکپارچه کلانشهرهای چندقومی پرداخته و تلاش می‌شود الگویی بهینه و مطلوب برای این نوع شهرها پیشنهاد گردد. کلانشهرهای چندقومی در هر کشوری دارای ویژگی‌های خاصی هستند و به‌طور اساسی با سایر کلانشهرها تفاوت‌هایی دارند. یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در کلانشهرهای چندقومی پیش روی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار دارد مسأله مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی کلانشهرها است. مسأله حفظ و گسترش امنیت پایدار در کلانشهرهای چندقومی به‌ویژه در کشورهایی که دارای مرز مشترک طولانی با همسایگان خود هستند همواره مورد توجه و حساسیت زمامداران بوده است (کریمی و وفایی، ۱۳۹۲: ۹۶). در این میان تبیین وضعیت مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی کلانشهرهای چندقومی برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به لایه‌های متراکمی از بحران‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و حتی داخلی اهمیت بیشتری دارد و از آنجایی که استان خوزستان به دلایل مختلف در کانون بسیاری از بحران‌ها قرار دارد، درک مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی در کلانشهر اهواز مرکز این استان، شناخت مؤلفه‌های درگیر در آن و نیز ارائه مدل مدیریت مطلوب تنش‌های قومی و فرهنگی کلانشهری ضرورتی اساسی به حساب می‌آید. بر همین اساس در بخش دوم یافته‌های پژوهش مدلی به‌منظور مدیریت مناقشات در شهرهای چندقومی و تحقق حکمروایی خوب در کلانشهر اهواز ترسیم شده که در شکل شماره ۱ قابل-مشاهده است. این مدل تلاش می‌کند تا راه‌حلی برای تحقق مدیریت و حکمرانی خوب در بافت اداری و سیاسی کلانشهرهای چندقومی به‌نمایش درآورد. در این مدل، «شهر محروم‌کننده»، تفاوت‌ها را از طریق جداسازی در امتداد خطوط شهری از بین می‌برد درست مانند کاری که در آفریقای جنوبی دوران آپارتاید اتفاق افتاد. شهر همگون‌ساز، تفاوت‌های قومی و نژادی را منحل

کرده و از بین می‌برد. این دو نوع شهر را دیگر در جوامع و شهرهای غربی نمی‌توان مشاهده کرد. بر اساس این مدل، سایر انواع شهر را می‌توان شهرهایی دانست که حقوق اقلیت‌ها را به رسمیت می‌شناسند. از این شهرها می‌توان با عنوان شهر تفاوت‌ساز و شهر چندفرهنگی یاد کرد. شهر چند فرهنگی حضور جوامع متفاوت را می‌پذیرد و آن را «عادی‌سازی» می‌کند. مدل شهر تفاوت‌ساز بر نقش شهرها در رابطه بین عدالت و تفاوت تأکید می‌کند. در این نوع شهرها، به رسمیت شناختن و پذیرش تفاوت است که زمینه‌ساز برقراری عدالت خواهد شد.

در الگوهای حکمرانی خوب در بسیاری از موارد دولت‌های مرکزی اختیاراتی را به سطوح پایینی دولت در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها واگذار کرده‌اند و برای آنها وظایف جدیدی تعریف کرده‌اند. در این نوع حکمرانی، کلانشهرها به‌ویژه در زمینه‌هایی مثل توسعه اقتصادی، استقلال بیشتری را در امر سیاست‌گذاری به دست آورده‌اند. در این نوع الگوها قدرت محلی به صورت افقی سازمان‌دهی می‌شود و یک‌سری شبکه‌ها ارتباط بین عناصر مشترک حوزه عمومی و خصوصی را برقرار می‌سازند. آنچه ممکن است در حال حاضر ذهن سیاست‌گذاران و زمامداران را در ارتباط با کلانشهر چندقومی اهواز به خود مشغول کرده باشد این است که چگونه می‌توان تفاوت‌های ملی، قومی، زبانی یا مذهبی را در این کلانشهر سامان داد. در این زمینه دو رویکرد وجود دارد: رویکرد نخست مسأله تفاوت را به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به عدالت و برابری اجتماعی و سیاسی به رسمیت می‌شناسد و رویکرد دیگر که می‌توان آن را رویکرد ایدئولوژیک هم نامید ضمن مخالفت با این نوع روند خواهان آن است که اکثر قومیت‌ها در بازار کار و نهادهای سیاسی جامعه اصلی ادغام شوند. وضعیت دوم نیازمند آن است که برای مدیریت تنش‌های قومی و فرهنگی گروه‌های قومی مختلف فرهنگ مسلط را پذیرفته و برای دستیابی به یکپارچگی سیاسی و اقتصادی دست از فرهنگ‌های مختلف خود بردارند یا حداقل آن را بسیار کم‌رنگ کنند. آنچه وضعیت کلانشهر اهواز را بیش از پیش دچار پیچیدگی کرده آن است که به نظر می‌رسد یک رویکرد بینایی و مبهم در مورد این شهر در پیش گرفته شده است که نه به طور کامل تفاوت‌ها را در نظر می‌گیرد و نه دست به همگون‌سازی و یکپارچه‌سازی کامل می‌زند. این نوع دوگانگی و ابهام می‌تواند آثار زیان‌باری در حکمروایی خوب شهری این کلانشهر به همراه داشته باشد. با توجه به آنچه تاکنون مورد بحث قرار گرفت به نظر می‌رسد رویکرد شهر چندفرهنگی در مورد کلانشهر

چندقومی اهواز بهتر از سایر رویکردها بتواند تأمین کننده مدیریت تنش های قومی و فرهنگی در این شهر باشد. اما پیش از حرکت به سوی شهر چندفرهنگی در کلانشهر اهواز می بایست چند معیار رعایت شود:

- تمایزگذاری اجتماعی بدون محروم سازی و طرد کردن: یک شهر باز و منعطف که در آن گروه ها و قومیت های مختلف بتوانند بدون همگن شدن با هم ارتباط برقرار کنند.
- استفاده چندمنظوره از فضای شهری اهواز که محل سکونت، کار و اوقات فراغت را همگی در کنار هم فراهم می سازد. نوعی برنامه ریزی و سیاست گذاری شهری که برای حضور پرتحرک جوامع قومی صرف نظر از امکان بروز تضاد، احترام و ارزش قائل است.
- مشارکت سیاسی همه گروه هایی که در شهر اهواز ساکن هستند.



شکل ۳: مدل های مختلف مدیریت تنش قومی و فرهنگی و تحقق امنیت پایدار در کلانشهرهای چندقومی

۶. نتیجه گیری و پیشنهادها

اهمیت و جایگاه مسائل قومی در ایران به حدی است که بسیاری از صاحب نظران و پژوهشگران روابط و مناسبات میان دولت و اقوام، نوع و چگونگی این رابطه را عامل اصلی تقویت و انسجام هویت و همبستگی ملی و بالعکس تضعیف آن می دانند. در کشوری مانند ایران که با پدیده تکثر قومی و فرهنگی روبرو است و برخی از کلانشهرهای آن نیز نمونه بارز چنین وضعیتی هستند، نوع و چگونگی این مناسبات و پیوندها میان حکومت و اقوام یا از طریق طراحی و تعریف رویه های قانونی و اجرایی مشخص که مجموعه آنها به عبارت دقیق تر نحوه حکمرانی نامیده می شود، تعیین شده است. پیاده سازی سیاست های متناظر با الگوی حکمرانی خوب در کلانشهرهای چندقومی بدون تصریح مضامین و الزامات اجرایی آن به اجرای ناقص و یا دور از هدف سیاست گذار منتهی خواهد شد. مهمترین هدف ایجاد مدیریت تنش های قومی و فرهنگی در کلانشهرهای چندقومی ایجاد امنیت و تهدیدزدایی و امنیت زایی در این نوع کلانشهرها است. کلانشهرهای چندقومی ایران و خصوصاً آنهایی که به دلیل شرایط تاریخی، جغرافیایی، قومی، سیاسی، مذهبی، دنباله قومی - سرزمینی، محرومیت و توسعه نیافتگی زیاد و عقب ماندگی تاریخی در حوزه های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به لحاظ تحقق حکمروایی مطلوب همواره با چالش هایی روبرو بوده اند. هدف از این پژوهش شناسایی و رتبه بندی شاخص های حکمرانی خوب در مدیریت تنش های قومی و فرهنگی کلانشهر چندقومی اهواز بود. در بخش اول یافته ها تحقیق، هشت شاخص حکمرانی خوب بر اساس رتبه بندی آزمون فریدمن مورد ارزیابی قرار گرفت که به ترتیب سه شاخص شفافیت، قانون مداری و اجماع بیشترین امتیازها را کسب کردند و از بیشترین تأثیر گذاری در کلانشهر اهواز برخوردار بودند. آنچه در اینجا می بایست به آن اشاره کرد این است که نحوه حکمرانی در کلانشهرهای چندقومی تفاوت هایی با سایر کلانشهرها دارد. مسائل و حساسیت های امنیتی که بعضاً در کلانشهرهای چندقومی وجود دارد نیازمند مدیریت خاص خود بوده و اگر به شیوه سایر کلانشهرها با آن برخورد شود و تفاوت های منظور در نظر گرفته نشود قطعاً می تواند تحقق امنیت پایدار را با چالش روبرو سازد. بر همین اساس بخش دوم یافته های این پژوهش به دنبال مدلسازی مدیریت کلانشهرهای چندقومی بود. بسته به نوع حکومت ها و روابط میان شهروند

و دولت، انواع مختلفی از شهرها را می‌توان در زمینه شهرهای چندقومی دسته‌بندی کرد. شهرهای همگون‌ساز، تفاوت‌ساز و محروم‌کننده از جمله این شهرها هستند. وضعیت شهر محروم‌کننده را می‌توان در مطالعه موسوی سرشت و بابایی فرد (۱۴۰۱) به‌روشنی مشاهده کرد. احساس محرومیت نسبی و بی‌توجهی نظام سیاسی به هویت‌های فرهنگی قومی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کلان و خرد، تأثیرات واگرایانه در ارتباط با هویت فرهنگی مردم عرب خوزستان نسبت به فرهنگ غالب و رسمی در کشور داشته است و به برجستگی هویت قومی آنها منجر شده است. آنها به دلایلی مثل وجود احساس محرومیت نسبی و سابقه تاریخی تلاش حکومت‌های مرکزی در استحاله هویت قومی‌شان، یا طبق آنچه این پژوهش از آن با عنوان شهر همگون‌ساز یاد می‌کند، نسبت به هرگونه تلاش برای یکپارچه‌سازی هویتی نگاه بدبینانه دارند. «شهر محروم‌کننده» با ایجاد سرخوردگی در شهروندان و پرورش احساس تبعیض و نارضایتی زمینه‌ساز خدشه‌دار کردن امنیت پایدار خواهد شد. بخشی از مردم عرب کلانشهر اهواز با احساس محرومیت نسبی از زمینه اقتصادی (تبعیض در برخورداری از منابع اقتصادی و مالی)، سیاسی (تبعیض در دسترسی به مناصب سیاسی و اداری) و فرهنگی (تبعیض در پیگیری علایق فرهنگی یا ابراز و اجرای رسوم ارزش‌های فرهنگی خود) از وجود «شهر محروم‌کننده» رنج می‌برند. هنگامی که از سوی قوم عرب اهواز این احساس محرومیت نسبی با وضعیت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مورد مقایسه قرار می‌گیرد آنگاه می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد چالش و بحران بالقوه در امنیت پایدار این کلانشهر باشد و گرایش‌های واگرایانه و برجستگی هویت قومی را در پی داشته باشد. بر اساس نتایج این پژوهش با توجه به ماهیت مسائل قومی در کلانشهر اهواز به‌نظر می‌رسد تکیه بر شهر چندفرهنگی و فاکتورهای آن بتواند زمینه‌ساز مدیریت مطلوب تنش‌های قومی و فرهنگی و نزدیک شدن به شاخص‌های حکمروایی خوب در این کلانشهر باشد. لذا نحوه حکمرانی در این کلانشهر نیازمند بازنگری است و می‌بایست سه شاخص مدنظر که در آزمون رتبه‌بندی فریدمن حائز بیشترین امتیازات شدند در مورد این کلانشهر با جدیت پیگیری و پیاده‌سازی شوند.

فهرست منابع

Articles

- Ahmadi, Mohammad Hossein, Alvand, Maryam, (2012). The role of ethnocentrism in social unrest, Quarterly Journal of Social Order Research, Year 4, Issue 2. [In Persian]
- Akbarzadeh, F., Moosazadeh, H., Khodadad, M., & Moosazadeh, H. (2018). "Evaluating the Performance of Urban Management in Gorgan Based on Good Urban Governance Approach", Journal of Geography and Human Relations, Serial No. 2, Autumn. [In Persian]
- Ameri, M. (2024). "Identification and Prioritization of Good Urban Governance Indicators on Urban Livability in Ahvaz", Journal of Sustainable Urban and Regional Development Studies, Vol. 5, No. 3, Autumn. [In Persian]
- Arbabi Sabzevari, A., & Ghasempour (2021). "An Analysis of the Position of Good Urban Governance and Its Role in the Urban Management and Planning System of Ahvaz", Journal of Novel Research Approaches in Management and Accounting, Serial No. 55, Spring. [In Persian]
- Bagheri, Masoumeh, Naveh, Abdolreza, Shojaei, Hadith, (2022). Structural modeling of cultural, social and political factors affecting interethnic convergence in the city of Ahvaz. Strategic Research on Iranian Social Issues, Year 11, Serial No. 38, Issue 3, Autumn, pp. 39-66. [In Persian]
- Bastin, A., Ziari, K., Pourahmad, A., & Hataminejad, H. (2018). "Measurement and Evaluation of the Effects of Good Urban Governance on Urban Livability", Journal of Urban Research and Planning, Serial No. 34, Autumn. [In Persian]
- Dutta J. (2008). "Governance regimes, corruption and growth: Theory and evidence", Journal of Comparative Economics, 36.
- Ghaderzadeh, O. (2022). "The Problem of Social Cohesion in Iran's Multi-Ethnic Society: A Meta-Synthesis of Existing Studies", Journal of Iranian Social Problems, Vol. 13, No. 1, Spring-Summer. [In Persian]
- Ghaderzadeh, Omid, (2022). The Problem of Solidarity in Iran's Multiethnic Society: A Meta-Synthesis of Existing Studies. Review of Iranian Social Issues, Volume 13, Issue 1, Spring and Summer. [In Persian]
- Hajinejad, A., Paydar, A., Arshad, H. (2016). "Analysis of the Position and Formulation of a Strategic Plan for Good Governance (Case Study: Zahedan City)", Geography and Development, No. 42, Spring, pp. 63-82. [In Persian]
- Hajizadeh, Kazem, (2019). An empirical study of the pattern of ethnic relations in Iran. Iranian Social Studies, Volume 14, Issue 1, Spring. [In Persian]
- Hasani-Hanzai, V., & Elahyari, R. (2018). "Comparative Study of Strategic Planning Based on Good Urban Governance: Case Study of Tehran and Mashhad Cities", Journal of Research in Art and Humanities, Serial No. 11, September. [In Persian]
- Hekmat Nia, H., Mousavi, M. N., Afshani, A., Maleki, M. (2017). "Study and Analysis of Good Urban Governance in Iran (Case Study: Ilam City)", Geographical Spatial Planning Journal, Vol. 7, No. 24. [In Persian]
- Herati, Mohammad Javad, Azermi, Ali, (2017). Explaining Arab Movements in the Context of the Good Governance Model, World Politics. Volume 6, Issue 2, summer. [In Persian]
- Jahani-Rad, Hojjatollah, Khorami-Alam, Mohsen, Shamakhi, Samad, Elmi, Mohammad, (2022). An analysis of the security consequences of inequality of opportunities among

- ethnic groups in the Islamic Republic of Iran. Strategic Ecology Quarterly of the Islamic Republic of Iran, Year 6, Issue 2, Winter. [In Persian]
- Karimi, Morteza, Vafaei, Ali Akbar, (2013). Security Building with Sustainable Development in Border Areas. Urban Research and Planning, Year 4, Issue 15, pp. 95-112. [In Persian]
- Kaufmann, D. (2007). Aggregate and Governance Indicators 1996-2006, World Bank.
- Kazemian, G., Barari, E., Sharifzadeh, F., & Ghorbanizadeh, V. (2021). "An Appropriate Model of Good Urban Governance for Metropolitan Cities of Iran and an Integrated Analysis of the Current Situation", Journal of Urban Research and Planning, Serial No. 44, Spring. [In Persian]
- Khanjani, M., & Kargar, B. (2022). The role of population in national power production and the enhancement of national authority. State Studies of Contemporary Iran, 4(8), 35-54. [In Persian]
- Khomjani, Sh., Sarvar, R., Amir-Ezzati, T., & Arbabi-Sabzevari, A. (2022). "Comparative Analysis of Good Urban Governance: A Case Study of Districts 2 and 10 of Tehran", Geography Quarterly, Serial No. 77, Spring. [In Persian]
- Maleki, S., Arvin, M., & Bazrafkan, S. (2018). "Examining the Role of Good Urban Governance Model in Achieving Resilient Cities", Journal of Urban Planning Knowledge, Vol. 2, No. 4, Serial No. 5, Winter. [In Persian]
- Mehregan, Nader, Mobarak, Asghar, Alizadeh, Fayyaz, (2011). Studying the effects of good governance indicators and corruption indicators on economic growth in Islamic countries, Quarterly Journal of Administrative Health Research, Volume 1, Issue 2, December, pp. 135-170. [In Persian]
- Mousavi-Seresht, Seyed Moin, Babaei-Fard, Asadollah, (2022). Recreating ethnic cultural identity among the Arab people of Khuzestan. Quarterly Journal of Social Development, Volume 16, Issue 3, Spring, pp. 63-92. [In Persian]
- Movahed, A., Kamanroudi, M., Sasanpour, F., & Ghasemi Kafroudi, S. (2014). "Investigating Good Urban Governance in Urban Neighborhoods (Case Study: District 19 of Tehran Municipality)", Urban Planning Quarterly, No. 7, Autumn, pp. 143-176. [In Persian]
- Naqdi, Asadollah, Ahmadi, Omidali, Soltani-Ezzat, Mahmoud, (2013). Sociological study of the degree of ethnic convergence in Hamadan province. Journal of Social Analysis, No. 4/68. [In Persian]
- Norouzi, M., & Nazifi Naeini, N. (2022). Ethnic divide, institutionalized paradigms, and the puzzle of sustainable peace in Afghanistan. State Studies of Contemporary Iran, 4(8), 43-65. [In Persian]
- Shahbazi, Amir Hamzeh, (2019). Ethnicity, Gender and the Function of Urban Spaces in Multiethnic Cities. Geography and Urban Space Development, Year 6, Issue 2, Fall and Winter.
- Shiroudi, M., & Makarempour, M. (2023). Scenario of future challenges facing the Islamic Revolution. State Studies of Contemporary Iran, 3(9), 43-65. [In Persian]
- Smith, Anthony, (1998). The Ethnic Sources of Nationalism, Strategic Studies Quarterly, No. 1. [In Persian]
- Tavakoli, H., Momeni, M. (2016). "Investigating the Feasibility of Good Urban Governance Indicators with Emphasis on Quality of Life in the City (Case Study: Regions 1, 7 and 22 of Tehran)", Urban Management Studies Quarterly, Year 8, No. 26. [In Persian]
- Yousefi, A., & Asgharpour, A. (2009). "Ethnocentrism and its Effect on Interethnic Relations in Iran", Journal of Historical Sociology, Vol. 1, No. 1, Autumn. [In Persian]

- Zandi, Amir Hossein, Bahyan, Shapour, Esmaeili, Reza, (2021). Study of social factors affecting social tolerance. Quarterly Journal of Social Development, Volume 15, Issue 4, Summer, pp. 215-250. [In Persian]
- Zandi, Amir Hossein, Bahyan, Shapour, Esmaeili, Reza, (2021). Study of social factors affecting social tolerance. Quarterly Journal of Social Development, Volume 15, Issue 4, Summer, pp. 215-250. [In Persian]
- Zandieh, E. (2016). "Evaluating the Performance of Municipalities within the Framework of Good Urban Governance Approach: Case Study of Malayer City Municipality", Environmental Planning Quarterly, No. 39. [In Persian]
- Zarei, Ghaffar, (2019). The Role of Ethnic Identity in National Solidarity after the Islamic Revolution: A Multicultural Approach, Quarterly Journal of the Islamic Revolution Approach, Year 13, Issue 47. [In Persian]
- Books
- Ahmadi, Hamid, (1999). Ethnicity and ethnocentrism in Iran: From myth to reality. Tehran, Ney Publication. [In Persian]

